

امیر مخبر هنرمند خود ساخته جسوری است که بدون اعتنا به گرایش‌های روز هنری با استقلالی قابل ستایش متکی بر توانائی‌های طراحانه و نظم‌پرنوسان خطوط و هزار لای رنگ درک و تجربه هنری‌اش را به تصویر می‌کشد.

به جرات می‌توان گفت، کمتر هنرمند جوانی می‌تواند چنین پذیرفتنی واقعیت امر مبتنی بر طبیعت و مناسبات فرد و طبیعت را نمایان کند. بدون اینکه گرفتار ظاهر زیبایی طبیعت پردازش شود.

در آثار این نقاش بر سطح و زیرسطوحی که بعنوان گیاه آسمان زمین و آب و منظره شی و جسم و ... اندیشه‌ای در جریان است که از فضای مادی و ترکیب آن با فضای روانی و از هزار توی ذهن تا مرزهای بی‌نهایت گسترده است.

اندیشه این هنرمند با مسائل انسانی و شناخت طبیعت در چالش است و بازتاب لحظات گشایش درون خود هنرمند و کشاکش مناسباتش با طبیعت اطرافش است. طبیعت در آثار این هنرمند مبهم است. انبوهی از بیشه‌های در هم تنیده شده که هیچ کدام برای همیشه ثابت نیستند. با پیکره‌های در کنار یا درون خود همراه با شبکه‌های رنگی خطوط در حال سقوط بر سطوحی خالی و یا پر شتاب رو به بالا.

گونگونی فرم‌ها صحنه‌هایی ناشناس و همانند خواب و رویا غیر قابل سنجش و وهم ناک از عناصر پایدار آثار این هنرمندند. در آثار امیر مخبر ترکیب رنگی هیجان‌انگیزی وجود دارد که به دنبال تداعی حسن و القای حالت اند. و باعث می‌شوند بیننده با ریتم‌ها و ضربات رنگی همراه شود. این ضربه‌های رنگی چشم را از فضایی به فضای دیگر عبور می‌دهند.

تکه تکه کردن ریتمیک آسمان جابه‌جائی ارزش رنگ ریز پردازش در مقابل سطوح رها توجه به کلیت ساختاری و معماری تصویر استفاده از خطوط رنگی پرتکاپو و جوشان ترکیب بندی فشرده بکارگیری تضاد‌های رنگی در کنار بافت‌های صخره‌مانند یا گیاه‌گونه و ایجاد فضا‌هایی چند معنائی تأثیرات دراماتیک صحنه آثار او را تشدید می‌کند. پیکره‌اشباحی در آثار او دیده می‌شوند که در فشرده‌گی رنگ و شبکه خطوط و زمینه‌ای مرموز بین مادیت و پیکره بندی از یک طرف و سیالیت و تهی بودن از طرف دیگر. بین معماری پیکره و حرکت خود به خودی و از هم گسیخته. بین رنگ و سطح و دنیای محسوس و فضای نامحسوس در نوسانند و با وجود اینکه رنگ‌ها از فضای صحنه به درون پیکره‌ها جاری اند اما آنها بار مبهم و ساکتی را ایجاد می‌کنند که کمکی است تا زمینه‌ها از انرژی و حرکت جنبشی بیشتر برخوردار شوند و فضای صحنه کارکرد‌های مفهومی گسترده تری یابد. این فضا بر فیگور‌ها غالب است و موفقیت آنها را تعیین می‌کند.

آثار رنگ محور امیر مخبر صرف نظر از بیان هر موضوعی و بطور مجرد گفتمانی ساختارمند و مشخص اند درباره رنگ و فرم، نور و شفافیت. استقلال فضا‌های آستره آن حتی با توجه به نزدیکی به منظره و فیگور به خطر نمی‌افتد.

اکسپرسیونیسم درون مرزهای معماری تصویر و بازی چندگانه خطوط که تا به امروز نقاشی او را به حرکت درآورده اند (حتی آنجاکه خطوط حضور ملموس ندارند) مفهوم متغیر پیکره‌های اشباح مانند و اشیاء نگاه او را به هنرمندان سورئالیسم نزدیک می‌کند.

در آثار متاخر این هنرمند نوعی تأثیر پذیری از حرکت سینمایی جریان دارد و روحی در این آثار ساکن است که خویشاوندی با نقاشی‌های خاور دور دارد. شالوده آثار او اما متفاوت از آن نقاشی‌ها و از حرکت‌های سینمایی ست و نشانه‌ای از توانائی این هنرمند از پذیرش و جذب فرهنگ‌های گوناگون و استفاده از امکانات و رسانه‌های دیگر است.

نیروی تجربه‌گری و قدرت تخیل این هنرمند به اندازه افق مناظرش وسیع و گسترده است و چارچوب یک رسانه نیازهای استیتکی او را برآورده نمی‌کند. رویکرد او به انیمیشن ویا مجسمه‌های نثونی و تجربه‌های دیگر او در همین راستاست.

برگرفته از مقاله‌ی "بدون امضا بدون تاریخ"، علی نصیر، ۱۵ فروردین ۱۳۹۲، برلین